

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد آصف فقیری
۰۲ اکتوبر ۲۰۲۴



محمد آصف فقیری

افکار سازی عمومی در ماهیت حقوق رسانه ها برای افغانستان

(۱)

چکیده^۱

اختلال و اختلاف سازی سازماندهی شده، در مبنای پدیده های جامعه شناسی سیاسی یک جامعه، که ارزش های باوری و فکری مردم یک سرزمین می باشد و در اقتدار حاکمیت ملی، سازنده است. توسط محرکه های بیرونی یا جنگ روانی رسانه ئی، به خصوص در جوامع بدوی به اهداف پدیدار می شود. که مخاطبان فقط تأثیر پذیر هستند، و از این تأثیر پذیری قدرت های جهانی وارد بسترهایی از جامعه شده و تصاحب منافع می کنند. در این حالت امنیت رسانه ئی عبارت از نظارت، بر اطلاعات شبکه های چاپی، شنیداری و دیداری و اینترنتی می شود، که قانون رسانه ها در حیطه حقوق آزادی بیان، سواد رسانه ئی را، برای مخاطبان و تکلیفی برای فعالان اجتماعی رسانه ئی ایجاد می کند. تا باشد که منافع عامه کشوری حفظ و حاکمیت ملی مقتدر گردد. که در این مقاله به روش توصیفی – تحلیلی، کلید واژه های ذیل را، در حیطه عنوان تحقیق، پژوهش می کنیم:

بحران سازی هویت جوانان و جنگ روانی، سعادت و یا مسبب سعادت بودن آزادی بیان، امنیت رسانه در ماهیت سیاست مدرن برای افغانستان

مقدمه:

¹ محمد آصف فقیری نویسنده و پژوهشگر علوم انسانی افغانستان، کارشناسی ژورنالیسم و ارتباطات و کارشناسی ارشد حقوق عمومی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد افغانستان Faqiri85@gmail.com

ماده بیست و دوم اعلامیه حقوق بشر اسلامی، محدودیت های برای آزادی بیان وضع نموده است: که مغایرت با اصول دین، عدم جواز تبلیغ سوء به ضد مقدسات و کرامت انبیاء (ع) عدم جواز برانگیختن احساسات مذهبی قومی، لسانی، نژادی، حقوق و آزادیهای دیگران منع شده است و حتی نظریه پرداز مشهور لبرالیسم امریکائی جان استوارت میل، هم به آزادی مطلق بیان باور نداشت و در صورت تحریک آمیز و بحران آفرینی بیان، آن را مشروع نمی داند (محمدی، ۱۰۶ : ۱۳۹۵). پس محدودیت آزادی بیان، امنیت بیان برای منافع عمومی در سیاست های مدرن و جهان امروزی اطلاعات تبیین می شود. که محدودیت به اساس مجموعه اصول مدون در قانون رسانه هارا، امنیت روانی مخاطبان نیز، می توان تعریف کرد و از طرفی رسانه برای افکار سازی جوانان، می تواند قدرت تولید کننده ذهنی محسوب شود، که نیروی جوانی یا جوانان، عبارت از قدرت اجتماع می باشند، که می توان آن را، قلب جامعه گفت و محرکه به سوی تعالی و عقب ماندگی کشوری نیز جوانان اند. هویت های کسبی برمی گردد به همت و کوشش جوانان، چون جامعه تخصصی و علمی را، شکل بدهند. اما جوامع جهان سومی را، تجاوز فرهنگی در بستر رسانه های جمعی، بحران سازی هویتی می کنند، یعنی بحران هویت های ذاتی جامعه چون باور، زبان و رسوم و عنعنات اند، که امنیت رسانه ئی در برابر آن، توانائی فکری متعالی جوانان را، نخست باید. زیرا عصر کنونی دهکده کوچک یا تصاحب رسانه ئی انترنتی، که از کنترل دولتها نیز بعید بوده و در این وضعیت، زیان و ضرر فکری بیشتر، در جوامع خلاصه می شوند، که در مقدم هویت های ذاتی آن جامعه مورد تجاوز قرار گرفته است و از طرفی باید اذعان کرد: آزادی بیان وسیله برای سعادت است، که پژوهشگران از درک حقیقت در سیر علمی، که شامل شناخت و استنتاج پدیده ها، می شود در بستر آزادی بیان برای سعادت اجتماع بیان می دارند، که آزادی خواهی فاقد روحیه وحدت ملی، از ماهیت علمی علوم انسانی نیست و در غایت یا نتیجه سعادت برای افغانستان ندارد. در این حالت امنیت رسانه ئی، باید مهار کننده اهداف سوء گردد. تا امنیت رسانه ئی در ماهیت سیاست مدرن، همانا روح همزیستی، متعالی حاکمیت ملی در کشورما شود. تا حقوق رسانه ها، که مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر حوزه رسانه ئی اعمال می شود، مرتبط به حقوق آزادی بیان و معاهدات بین المللی تصویب و رعایت گردد.

۱- بحران سازی هویت های ذاتی و جنگ روانی:

تغییر اجتماعی در جهان امروز، چنان عمیق و پُر سرعت است که اصل ترین عرصه های حیات بشری به نام هویت را، با مشکل جدی رو به رو کرده، زیرا هویت های متصلب پیشین که ضامن حفظ وضع موجودند، در حال تغییر می باشند. بحران هویت بدون شک مهم ترین آسیب اجتماعی امروز جهان بوده که در کلیه روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی در جوامع ناشی از جهانی شدن، پدیدار شده است (نیکوکار، نوابخش، ۳ : ۱۳۸۲). در جوامع سنتی پیوند تنگاتنگ فضاء، زمان و فرهنگ در یک مکان یا محل و سرزمین نیازهای هویتی را، بخوبی جوابگوست و انسان ها در درون دنیاها کوچک، محدود، پایدار و منسجم خود، به هویت و معنای مورد نیاز خود به آسانی دست پیدا می کند، اما در فرآیند جهانی شدن با پاره کردن این پیوند ها و نفوذ پذیری و فرو ریختن مرزهای مختلف زندگی اجتماعی، گونه های هویت های ذاتی را، متزلزل و حتی نابود می کند، که تحت این دگرگونی های بنیادین، امکان هویت یابی سنتی بسیار کاهش یافته و نوعی بحران هویت و بحران معنا در انسان ها، پدیدار می گردد (گل محمدی، ۲۴۵ : ۱۳۸۳). و جنگ روانی در بستر عصر اطلاعات یا دهکده کوچک عبارت از استفاده برنامه ریزی شده از تبلیغات و سایر اعمالی که بر نظریات و احساسات جامعه وارد می شود، است، البته کلمه جنگ به مفهوم ستیز مخفی که روان اعضای جامعه را، نشانه گرفته اطلاق می شود. که به مفهوم جنگ نرم در مطالعات بین المللی نیز بیان می گردد. پس جنگ نرم

عبارت از هر اقدام غیر خشونت آمیز که ارزش ها و هنجارهای جامعه هدف قرار داده می باشد (قربان زاده سوار و ناطقی، ۴۸: ۱۳۹۲). حالا در نتیجه: جنگ و ستیز یکی از عناصری ناخشنود بشری، از ابتدای تأسیس اجتماعات با آن مواجه بوده ایم، و بشر را، به صورت مطلق در دنیا، گریزی از آن نیست. در زمان کنونی جنگ ها با شکل و شمایل جدیدی بروز می نمایند و ظاهر خشن آن دیگر نمایان نمی باشد، که افراد قربانی سلطه گران و قدرتمندان جهانی می گردند، که فشارهای رسانه و ارتباط جمعی را، سیاست گذاری می کنند. که جنگ نرم را می توان تهاجم خاموش و نرم به وسیله و ابزار فرهنگ برای کاستن ارزش های فرهنگی، برای از بین بردن روحیه همبستگی ملت دانست، که امنیتی سازی فضای رسانه ئی سیاسی و اجتماعی را، راه کار دانسته و عمل باید نمود.

۱-۱ - تحلیل بحران سازی فرهنگی و جنگ روانی در افغانستان:

کشور ما افغانستان، در چندین دهه شاهد تحولاتی بوده که مورد تجاوز قدرت های شرق و غرب گردیده است. که جنگ های داخلی نیز، ناشی از جنگ های روانی می باشد. که موارد برجسته ناشی از آن، شامل بحران سازی هویت فرهنگی و جنگ روانی را، در ذیل فهرست می کنیم:

- **تکنوکراسی و عوام فریبی:** تکنوکراسی به صورت فشرده اگر بیان شود، عبارت از افرادی که با مدارک دانشگاهی با قدرت شهرت تصاحب امتیاز می کنند - ماهیت اعضای جامعه بدوی است که فاقد بصیرت با دید سطحی، فریب حالت عامه را، می گیرد و این مجموعه افراد فاقد تعهد به وطن و انسانیت، در پی منافع خصوصی خودشان اند.

- **رسانه ئی شدن فاقد فرهنگ:** فرهنگ اجتماعی ماهیت ثبات سیاسی در امر تداوم قدرت مردمی نهادینه شده است. که جامعه شناسان معاصر ربط سیاست و فرهنگ را، بدرستی ترسیم کرده اند. هر چند ابعاد فرهنگ بسیار زیاد است. که به طور فشرده می دانیم، فرهنگ عبارت از مجموعه رفتار و کردار اعضای جوامع که تنوع فرهنگی، قدرت همبستگی آنست، اکتفا می کنیم. ولی آنچه از گونه های فرهنگی چون شعر، موسیقی و سینما اکنون در رسانه های جمعی افغان، پدیدار شده است، مصداق مغلوب بودن و سیر نزولی مدرنیته در برابر بدویت تحلیل می شود.

- **تقلید کورکورانه:** امروزه بسیاری از جوانان در پی شهرت میان ثهی اند - یعنی دوست دارند در شبکه های اجتماعی مشهور شوند، و آن شهرتی میان ثهی که جوان فاقد هدف در فعالیت هستند، که این شهرت های بدون محبوبیت، پی آمدهائی در پی دارد که یکی از عوامل سیر تنزل توسعه انسانی در جامعه می شود.

- **معارف و تحصیلات:** باید جوانان در مرحله نوجوانی همانا صنف نهم، هویت کسبی شان را بدانند و خویش را پیدا کرده باشند. که برای کدام ارزش اجتماع همانا خدمت به انسانیت و کشور، پسا فارغیت پوهنتون حضور پیدا کنند. در حالی که بعد فارغ شدن صنف دوازدهم این نظام تحصیلات است که رشته جوانان را تعیین می کند، نه خودشان و علاقه شان ... که شاهد این مورد نیز هستیم که محصلان شریعت فاقد دروس مقدماتی دینی یا مدرسه در تحصیلات عالی از جوانانی که از مکاتب راه پیدا کرده اند، و در دام افکار افراطیت و وهابیت افتاده اند.

ادامه دارد